

فلسفه و اندیشه

مکتب

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه

فلسفه‌ی سیاسی

مایکل اوکشات

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

پل فرانکو

ترجمه‌ی مرتضی افشاری

فهرست

۹	□ قدردانی
۱۱	فصل اول: مقدمه
۲۹	فصل دوم: تجربه و وجوه آن و ایده‌ی فلسفه
۲۹	۱. هدف و زمینه‌ی کار
۴۰	۲. مفاهیم تجربه و یک وجه از تجربه
۵۴	۳. تاریخ
۷۲	۴. علم
۸۰	۵. تاریخ و علم
۸۹	۶. عمل
۱۰۵	فصل سوم: از فلسفه به فلسفه‌ی سیاسی
۱۰۶	۱. مفهوم تئوری فلسفی حقوق و سیاست
۱۲۱	۲. کشف سنت فلسفه‌ی سیاسی
۱۳۵	۳. خوانشی از سنت فلسفه‌ی سیاسی مدرن
۱۶۳	فصل چهارم: عقل‌گرایی، سنت و سیاست
۱۶۶	۱. عقل‌گرایی و گرفتاری دوران ما

۲. نقد عقل‌گرایی ۱۸۲
۳. سیاست عقل‌گرایانه و غیر عقل‌گرایانه: محافظه‌کاری شکاکانه‌ی اوکشات ۲۱۱

فصل پنجم: درباره‌ی رفتار بشری: تئوری اوکشات درباره‌ی اجتماع مدنی ۲۳۵

۱. بازبینی ایده‌ی فلسفه ۲۴۰
۲. ایده‌ی آزادی و ایده‌ی عمل ۲۴۹
۳. تئوری اجتماع مدنی ۲۶۷
۴. سرشت مبهم دولت اروپایی مدرن ۲۹۶
۵. نقدهای تئوری ۳۲۸

فصل ششم: نتیجه‌گیری: اوکشات و مباحثه‌ی رایج درباره‌ی لیبرالیسم ۳۴۱

- یادداشت‌ها ۳۵۱
- کتابشناسی ۴۰۳
- نمایه ۴۱۵

قدردانی

مایل ام از پروفیسور ناتان تارکو، جوزف کراپسی و راسل هاردین از دانشگاه شیکاگو تشکر کنم که نسخه‌ی اولیه‌ی این کتاب را با دقت خواندند و نظر دادند. مخصوصاً مایل ام از پروفیسور تارکو سپاسگزاری نمایم که براین نسخه‌ی اولیه، حاشیه‌ی مبسوطی نوشت و نیز در آغاز این پروژه کمک تعیین‌کننده‌ای کرد. پروفیسور تیموتی فولر از کالج کلورادو برای اولین بار فلسفه‌ی سیاسی مایکل اوکشات و نسبت آن با اندیشه‌ی او را به من معرفی کرد. این تحقیق، به میزان زیادی، مرهون منبع الهام اصیل و جاودانه‌اش است. در آخر می‌خواهم از همسرم جیل، برای یاری‌اش هم در ویرایش کتاب و هم به لحاظ دیگر در طول دوره‌ی تکمیل این کتاب تشکر کنم.

فصل اول

مقدمه

درک اندیشه‌ی مایکل اوکشات، از بعضی جهات، مشکل تراز بقیه‌ی نظریه‌پردازان بزرگ سیاسی معاصر بوده است. دلیل این امر، شاید در این واقعیت ریشه داشته باشد که او به راحتی در قالب هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های قراردادی که برای ساختن مفهوم جهان نظریه‌ی سیاسی به کار می‌بریم، قرار نمی‌گیرد. برچسب‌هایی مانند «محافظه‌کار»، «لیبرال»، «ایده‌آلیست»، «تاریخ‌محور»، «سنت‌گرا» و «فردگرا»، همگی در تعیین جایگاه پیچیده و خاص او به نحو مناسب، ناکام می‌مانند. همان‌گونه که نویسنده‌ای اظهار می‌کند:

[اوکشات] یک سنت‌گراست با کمی عقاید سنتی، یک «ایده‌آلیست» که از بسیاری از پوزیتیویست‌ها شکاک‌تر است، یک عاشق آزادی که لیبرالیسم را رد می‌کند، فردگرایی که هگل را به لاک ترجیح می‌دهد، فیلسوفی که با فلسفه‌محوری* مخالف است، شاید یک رمانتیک (چنانکه ممکن است هیوم نیز به این صفت خوانده شود) و نویسنده‌ای صاحب سبک و شگفت‌انگیز. عقیده‌ی اوکشات، بی‌مانند است.^۱

با این وصف، تاوان چنین «ویژگی منحصر به فرد»ی، اغلب، طرد شدن از مباحثات رایج است. و از آنجا که چنین طردگشتنی در مورد اوکشات اشتباه است، به

* *philosophisme*

من اجازه دهید، در آغاز فقط آنچه را ذکر کنم که فکر می‌کنم او به فلسفه‌ی سیاسی معاصر عرضه کرده است.

در کار اوکشات سه جنبه وجود دارد که شایسته‌ی تأمل جدی‌اند و در این تحقیق، مدام مورد توجه قرار خواهند گرفت. اولی مربوط است به نظریه‌ی فلسفه و فلسفه‌ی سیاسی او. بسیار واضح است که فلسفه (و بخصوص فلسفه‌ی سیاسی)، چالش‌های سختی را در قرن بیستم در مقابل شکل‌های گوناگون پوزیتیویسم و تاریخ‌محوری، علم و علوم اجتماعی متحمل شده است. هرکسی که به فلسفه‌ی سیاسی می‌پردازد، امروزه باید آماده باشد تا به این چالش‌ها پاسخ دهد و یک توجیه اولیه برای کارش به دست دهد. این، کاری است که اوکشات با شدت و پایداری‌ای که تعداد کمی از معاصرانش به پای آن می‌رسند، انجام داده است. چنانکه خواهیم دید، او هرگز مسأله‌ی «فراسیاسی» سرشت و امکان فلسفه را از نظر دور نداشت، و میزان زیادی از این تحقیق به این اختصاص خواهد یافت که جواب او به این مسأله را بشکافد.

دومین جنبه از فلسفه‌ی اوکشات که باید بر آن تأکید کنم، نقد او بر عقل‌گرایی است، به اضافه‌ی بیانی مثبت از عقل‌گرایی عملی که در جریان آن نقد می‌پرواند. البته، این شناخته‌شده‌ترین بخش از فلسفه‌ی اوکشات است و شاید کمتر از بخش‌های دیگر نیازمند توضیح باشد. در واقع، این جنبه، در برخورد با اندیشه‌ی اوکشات آن قدر وسیع نمایان می‌گردد که من در دورانی به این سمت کشیده شده بودم که اهمیت آن را دست‌کم بگیرم - یا حداقل مانع شوم که دیگر جنبه‌ها را تحت الشعاع خود قرار دهد. جنبه‌هایی که اعتقاد دارم برای شناخت کلیت دیدگاه اوکشات ضروری‌اند. با این وجود، این امر نمی‌تواند مورد تردید واقع شود که این نقد بر عقل‌گرایی و بسط دریافتی عملی‌تر و متناسب با شرایط از عقل‌گرایی در مقابل آن، یکی از جالب‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌های فلسفه‌ی اوکشات را می‌سازد. آنچه که او در این مورد می‌گوید نه تنها دلالت‌های سیاسی زیادی دارد، بلکه بیشترین ارتباط را با کل موضوع عقل‌گرایی بشری دارد که به سمت کانون مباحثات فلسفی رایج حرکت کرده است.

سومین کمک مهم اوکشات به فلسفه‌ی سیاسی معاصر، در حوزه‌ی نظریه‌ی لیبرال نقش دارد. او در تئوری‌اش درباره‌ی اجتماع مدنی*، چیزی را به ما عرضه می‌کند که شاید تاکنون موشکافانه‌ترین و قانع‌کننده‌ترین گزاره معاصر درباره‌ی لیبرالیسم باشد، و آن، گزاره‌ای است که به هگل بسیار مدیون است و حقوق طبیعی و اتمیسم نظریه‌ی لیبرال سنتی را رد می‌کند. همچنین اوکشات در اینجا نشان می‌دهد که، به سختی، خود را در قالب طبقه‌بندی‌های مرسوم قرار می‌دهد. ویژگی بسیار نظام‌نامه‌ای تئوری او درباره‌ی اجتماع مدنی، از بعضی وجوه، او را با لیبرال‌های به اصطلاح «وظیفه‌گرا»** مثل رالز، نوزیک، هایک و دورکین در یک ردیف قرار می‌دهد. اما جنبه‌های هگلیانی و تاریخ‌محورانه‌ی تئوری‌اش، به او این امکان را می‌دهد که نقد «جماعت‌گرایان»***ی مانند سندل و تیلور را که به سوی پروژه‌ی لیبرالیسم وظیفه‌گرا نشانه گرفته‌اند، پاسخ دهد. علاوه بر این امتیاز، اوکشات توجه شایسته‌ای نیز به ایده‌ی اقتدار نشان می‌دهد. موضوعی که تقریباً همیشه در نظریه‌ی لیبرال معاصر، به نحو محدودی، به آن پرداخته شده است (به عنوان مثال توسط رالز). در آخر، نشان خواهم داد که اوکشات برای پالودن لیبرالیسم از اقتصادمحوری و ماتریالیسم - که اغلب به نظر می‌رسد ایده‌آل‌های اخلاقی خودشان را بنا کرده و لیبرالیسم را تضعیف نموده‌اند تا از راست و چپ تهدید شود - بیشتر از همه‌ی متفکران معاصر کار کرده است.

دفاع اوکشات از ایده‌ی فلسفه‌ی سیاسی، نقدش بر عقل‌گرایی و بازتعریفش از لیبرالیسم، موضوعات گسترده‌ای هستند که این تحقیق را شکل می‌دهند. اکنون زمان آن است که ببینیم چگونه آن موضوعات، به طرز مشخص‌تر، در جریان این تحقیق پرورش می‌یابند. ابتدا سخنی در مورد روشم بگویم. من عمدتاً با روش بیان دقیق متون اوکشات به این کار اقدام کرده‌ام. حیف که هیچ راه دیگری برای شناخت یک فیلسوف وجود ندارد، خصوصاً وقتی که آن فیلسوف، نویسنده‌ای به دقت اوکشات است. به علاوه، من این متون را تقریباً به ترتیب زمانی در نظر گرفته‌ام. در زندگی اوکشات یک تغییر عبرت‌آموز آشکار، از دیدگاهش درباره‌ی پیچیدگی یک موضوع

* civil association

** deontological

*** communitarians